



**محمد علی کشاورز** بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون ایران دیروز در ۹۱سالگی زندگی را بدرود گفت. «جوان» در پرونده‌ای به زوایای حرفه‌ای این هنرمند پر داخته است.

### بی‌تغییر در هزار دستان

سرپال «هزار دستان» به کارگردانی مرحوم علی حاتمی یکی از عرصه‌های نقش‌آفرینی مرحوم کشاورز در مدیوم تلویزیون بود. او در هزاردستان که تولیدش از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶ به طول انجامید، نقش یک کاراکتر منفی با نام شعبان استخوانی را بازی کرده است. کشاورز در این سرپال به خاطر بازی کم‌تغییر و گرم فوق‌العاده‌اش در ذهن مخاطبان ماندگار شد.

### کهنه‌سوار

سرپال «کهنه‌سوار» یک مجموعه تلویزیونی به کارگردانی «کبر خواجه‌ویی» است که در سال ۱۳۷۶ تولید و از شبکهٔ ۳سمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. کشاورز در این سرپال نقش پدر جوانی را بازی می‌کند که به ورزش کشتی علاقه‌مند است اما به دلیل اینکه خودش در سال‌های گذشته به دلیل بروز برخی ناخوامندی‌ها کشتی را کنار گذاشته، قسم خورده اجازه ندهد پسرش در این ورزش فعالیت کند.

### کارزارش

### جواد محرمی

تقریباً با اغلب فیلمسازان بزرگ دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ سینمای ایران کار کرده است، حتی مرحوم عباس کیارستمی که اساساً در فیلم‌هایش از بازیگران حرفه‌ای خیری نبود و سراغ نابازیگران می‌رفت در «زیر درختان زیتون» از او بهره برده؛ فیلمی که تنها بازیگر حرفه‌ایش محمدعلی کشاورز بود و نقش فیلمسازی را بازی می‌کرد

که در میان دختران روستایی زلزله‌زده در کیسلان به دنبال بازیگر می‌گردد. برای محمدعلی کشاورزی که تماشاگر بیشتر او را در نقش‌های تاریخی می‌شناخت، حضور در «زیر درختان زیتون» اتفاق تازه‌ای بود که به آن عادت نداشت و فیلم هم آنقدر مخاطب خاص بود که حافظه مردم را زیاد با خود درگیر نکرد. کشاورز را مردم بیشتر با فیلم‌های علی حاتمی به خصوص سرپال «هزاردستان» به خاطر دارند و البته بعدتر با سرپال خاندادی «پدرسالار».

کشاورز با حضور در پنج فیلم علی حاتمی جزوبازیگران محبوب او محسوب می‌شد. در اوایل دهه ۷۰ بازی در نقش یک پدر مقتدر که دوست دارد همه بچه‌هایش او زندگی کنند اما یکی از عروس‌هایش زیر بار نمی‌رود او را بیشتر در یادها ماندگار کرد. کشاورز گویی برای بازی در آن نقش به دنیا آمده باشد چنان باورپذیر و جاودان نقش پدر مقتدر و البته دلسوز را ارائه داد که کمتر مشابهی می‌توان برایش سراغ گرفت. اما پیشتر از پدرسالار این شعبان استخوانی بود که با رقص ماهرانه در نزاع با گنده‌لاک‌های یک قهوه‌خانه قجری در سکناسی به یادماندنی درخشید؛ کاراکتری که ترسناک و مخوف بود و به وادی سیاست کشیده شده بود.



### روزنامه‌سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سردبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴

روزنامه جوان | شماره ۵۹۱ | دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹ | ۲۳ شوال ۱۴۴۱ | اذن ظهیر: ۱۳:۰۵ | غروب آفتاب: ۲۰:۲۲ | اذن مغرب:۲۰:۴۳ | نیمه شب شرعی:۰۰:۱۲ | اذن صبح فردا: ۰۰:۰۱ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۴۸

### اتابک اعظم



متفور رایفاگرد.

### پدر مقتدر



مجموعه تلویزیونی را به یکی از ماندگارترین سریال‌های ایران تبدیل کرد.

### خوابگزار سلطان



پخش شد.

### ماندگار در «مادر»



اسماعیلی برای محمدعلی کشاورز در این فیلم آن ماندگارتر کرد.

# خداحافظ مرد درجه یک سینما



کشاورز با محسن مخملباف در فیلم «ناصرالدین شاه آکتور سینما» نیز همکاری کرد. در «دلشدگان» حضور داشت و در «کمال‌الملک» علی حاتمی نقش اتابک اعظم را بازی کرد. تفاوت نقش‌هایی که او در آثار مختلف بر عهده داشته در نوع خود جالب توجه است. اگر در هزاردستان نقش بزبنهادی قلچمق را بازی کرد و در پدرسالار پدری مقتدر را ارائه داد و در «مادر» نیز نقشش به یک لات بی‌کله تنه می‌زد اما در «افسانه سلطان و شعبان» و کمال‌الملک در جلد کاراکتری حکیمانه فریفت.

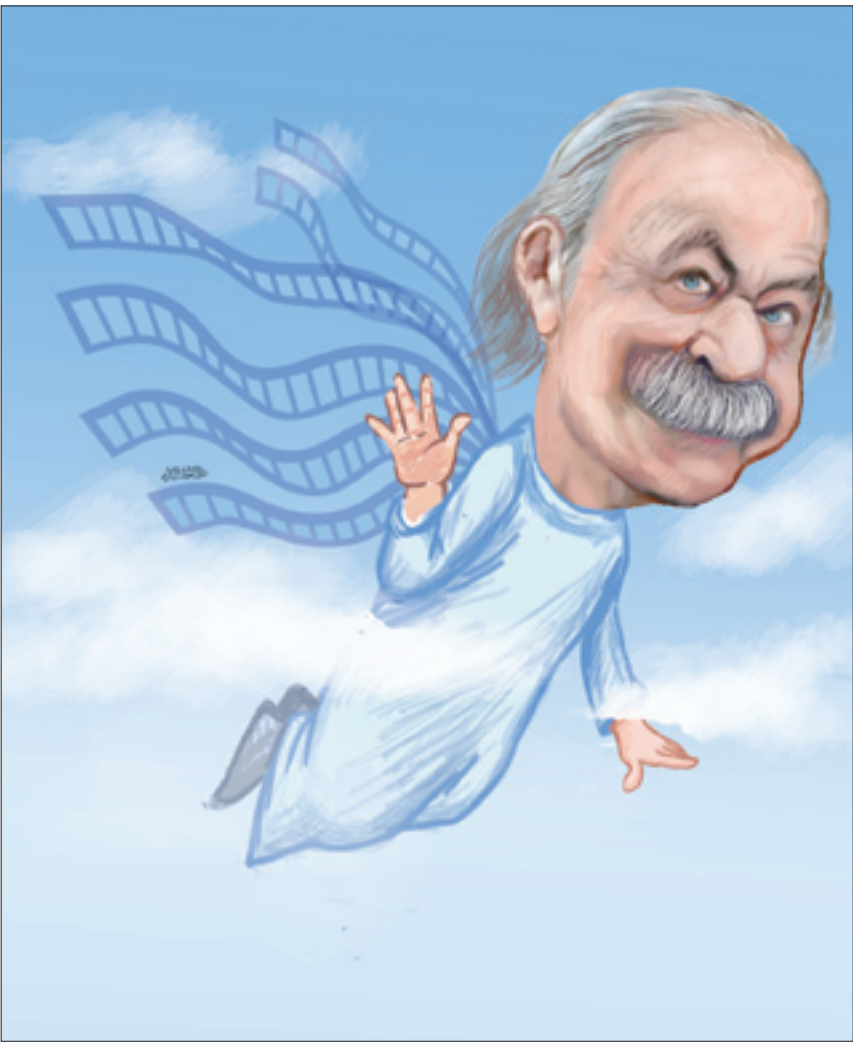
ایفاگر نقش خوابگزار اعظم سلطان و شعبان و اتابک اعظم کمال‌الملک به لحاظ شخصیتی بسیار باهم فاصله داشتند و این تفاوت‌ها بود که از کشاورز بازیگری توانمند ارائه می‌داد. در همان دهه ۶۰ محمد متوسلانی او را در «کش‌های میرزا

### مرحوم کشاورز جایی گفته بود: «بچه بودم و از اشغال ایران ناراحت و برای همین در اصفهان به ماشین‌های متفقیین سنگ می‌زدم»

چون حمید سمندریان و مرحوم هماروستا پیش از انقلاب اسلامی را نیز داشت. اصلاً همین خاک صحنه خوردن سبب شده بود تا او جزو بازیگران محبوب علی حاتمی باشد و همراه با جمشید مشایخی، داوود رشیدی، علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی چند دهه حضوری خاطره‌انگیز در سینمای ایران رقم بزند.

مرحوم کشاورز جایی گفته بود: «بچه بودم و از اشغال ایران ناراحت و برای همین در اصفهان به ماشین‌های متفقیین سنگ می‌زدم.» همین روحیه مبارزه‌جویانه و غیر تمندانه‌ای که از کودکی در او غلبان داشته در بره‌های دیگر زندگی این بازیگر نیز خود را نشان می‌دهد. او در انتخاب نقش‌ها و فیلم‌هایش پیشی از انقلاب کوشید تا آلوده فیلمفارسی‌ها نشود و بیشتر در آثاری حضور پیدا کرد که شأن و جایگاه بازیگری او به عنوان هنرمندی که

### نما | حسین گشتکار



### محمدصادق عابدینی

محمدعلی کشاورز، در سن ۹۰سالگی چشم از جهان فرو بست.

حضور این بازیگر در عرصه هنر که همراه با تحصیلات آکادمیک در حوزه بازیگری بود، باعث شد تا مانند بسیاری از هنرمندان ابتدا جذب تئاتر شود و بعد به ایفای نقش در سینما بپردازد.

کشاورز سینما را سال‌ها پس از آنکه در تئاتر به شهرت رسیده بود، آغاز کرد ولی بر خلاف بسیاری از ستاره‌های آن روز سینمای ایران، با جریان فیلمفارسی همراه نشد. اولین حضور وی در سال ۱۳۴۳ در فیلم «شب قوزی» و ایفای نقش در یک فیلم غیرتجاری باعث شد تا روند حضور وی در سینما با فیلم‌های مستقل از جریان فیلمفارسی شکل بگیرد. وی در آثاری که پیشش از انقلاب در سینما ایفا کرد، برخلاف جریان فیلمفارسی و کلاه مخملی حرکت کرد. اینکه کشاورز بدون آنکه درگیر فضای آلوده فیلمفارسی شود، در آثار ماندگاری ایفای نقش کرده را می‌توان در گزینه‌کاری وی دانست.

خصوصیات اخلاقی بازیگرانی که از تئاتر یا به سینما گذاشته و در سینما به ستاره تبدیل شده‌اند در مورد کشاورز نیز صدق می‌کند؛ هنرمندی که چهره‌اش به عنوان یک بازیگر شناخته شده، در کنار ستاره‌های

### دیدگاه

### محمد صادقی

## مردی که بی‌سیمرغ پرواز کرد

هنرمند جشنواره فجر فرصت داشت تا اهدافی سیمرغ بلورین به پاس یک عمر فعالیت هنری از او تقدیر کند، اما نکرد. یکی از بزرگ‌ترین معایبی که سال‌ها تلویزیون با آن مواجه بوده، نداشتن ساز و کاری برای تقدیر از بهترین‌های تلویزیون است. نقش‌های ماندگار کشاورز در سریال‌های تلویزیونی، به خاطر نبود جشنواره‌های تلویزیونی در آن سال‌ها، فقط در ذهن مردم ماندگار شد. رئیس سازمان صداوسیما در پیام تسلیتی که به مناسبت درگذشت کشاورز صادر کرده است، از وی با عنوان «پدر سالار دوست داشتنی مخاطبان تلویزیون» نام برده است. کاش این عنوان در زمان حیات هنرمند از سوی مدیران فرهنگی پاس داشته می‌شد.

محمدعلی کشاورز در حالی چشم از جهان فروبست که در ویتربین افتخارات هنرش چیزی به نام «سیمرغ بلورین» وجود نداشت، البته غیر از کشاورز، علی نصیریان نیز تا همین دو سال پیش، با وجود اینکه ۴۰سال در سینمای بعد از انقلاب حضور داشت، سیمرغ نگرفته بود. شهرت بازیگرانی مانند مرحوم کشاورز، نه به سیمرغ‌های بلورین و تقدیرهای جشنواره‌ای بلکه به جایگاهی است که در ذهن و خاطر مردم دارند و این مردم هستند که یک هنرمند را تا سال‌های سال بعد از مرگش در یاد خود زنده نگه می‌دارند ولی هر چقدر که مردم به هنرمندانی مانند مرحوم کشاورز ارادت داشتند، مسئولان هنری کم‌کاری خود را نشان دادند. در سال‌های طولانی خانه‌نشینی این

### انتقاد یک کارگردان از پولشویی در سینمای ایران

## قوه قضائیه جلوی جریان پول کثیف در سینما را بگیرد



نامشروع به حساب عوامل و بازیگران ریخته می‌شود تا هرچه زودتر فرآیند شست‌وشو صورت بگیرد. دیگر بخش‌های پول کثیف نیز در مراحل ساخت و بعد از تولید وارد می‌شود و در حقیقت تا نوعی فاکتورسازی این برنامه پایان می‌گیرد.» وی گفت: «در همین سال‌های اخیر فیلمی ساخته شد که پر از بازیگر بود و اینطور که شنیده می‌شد هر کدام دستمزد میلیاردی گرفته‌اند. تعداد بازیگران و رقم‌هایی که گرفته بودند اعلام شده بود که ۸میلیارد هزینه شده اما برایش ۳۰میلیارد فاکتور صادر شده و با این کار ۲۲میلیارد دیگر که حاصل قمار بوده است تمیز می‌شود.» رافعی افزود: «سینما تبدیل می‌شود به رخشخوشرخانه آل کابون که نتیجه‌ای جز سینمایی چرک و کثیف و بی‌محتوای آن نمی‌توان داشت. چه انتظاری از چنین سینمایی داریم؟ قطعاً به علت این بول‌های کثیف در فلان سرپال که قرار بوده است ۱۸قستمی باشد، تبدیل به سرپال ۴۰قستمی می‌شود، کیفیت فدای کمیت می‌شود.»

عباس رافعی کارگردان سینما از قوه قضائیه خواست مسیرهای ورود پول کثیف به سینما را مسدود کند.

این کارگردان سینما در گفت و گو با تسنیم، به مسئله پولشویی در سینمای ایران پرداخت و با یادآوری یکی از بزرگ‌ترین متهمان فساد مالی در تاریخ گفت: «آل کابون، چون در تجارت مواد مخدر، فحشا و قمار و دیگر کارهای خلاف به سر می‌برد، مجبور بود که سرمایه‌اش را که از طریق این موارد در نیویورک به دست آورده بود به نوعی مخدوم کند. او چندین رخشخوشرخانه در این شهر درست کرده بود و با استقرار ماشین‌های لباسشویی در چند محله در مکان‌هایی مانند زیرزمین این پول‌هایی را که از طریق نامشروع به دست آمده بود در حساب‌این رخشخوشرخانه‌های ریخت و صاحبان آنها می‌گفتند که حاصل در آمد رخشخوشرخانه در حسابشان واریز شده است. چون از اینجا پول به بانک می‌رفت، می‌گفتند که پول شسته شده است. الان هم آل کابون‌ها، سینما را به مقصد رخشخوشرخانه‌ها در نظر گرفته‌اند و پول‌های کثیف خود را در آنجا می‌شویند. جعل اصطلاح پولشویی از اینجا آمده است.» رافعی در ادامه بیان داشت: «صاحبان سرمایه‌های مشکوک در سینما نیز به این شیوه عمل می‌کنند، به این دلیل که سود برای پولشویی به تولیدفیلم است، نگران اکران و پخش و دیگر مسائل جاری اکران فیلم نیستند، برای همین از همان ابتدای مراحل پیش تولید خیرسازی می‌شود که قرار است فلان فیلم و سرپال با حضور فلان سوپر استار و کارگردان ساخته شود و در آن هزینه‌های هنگفتی صورت گرفته است. زمانی که ذهن ما درگیر این تکنه است که

حتمان سرپال ۶۰میلیارد هزینه ساخت دارد، بخشی از پول‌های